



ظریف:

اروپا می‌خواهد به برجام متعهد باشد

گروه سیاست: وزیر خارجه روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران گفت: «آمریکایی‌ها هیچ‌گاه در این حوزه صداقت نداشته‌اند و حرکت آقای ترامپ یک حرکت تبلیغاتی بود. یکی از دلایل مهمی که می‌توانیم طبق آن...

صفحه ۱۵

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ • ۹ آگوست ۲۰۱۸

تیتراها

جزئیات نامه‌نگاری نعمت‌زاده با جهانگیری

صفحه ۵

واکنش تند «دایی» به چند نماینده مجلس

توضیح بدهید برای زلزله‌زدگان چه کردید؟

صفحه ۱۲

محمد محسن مهاجرانی تبرئه شد

صفحه ۲

قلم طلایی به سیدمحمود دعایی اهدا شد

تقدیر از علیرضا رجایی در مراسم انجمن صنفی

همین صفحه

گفت‌وگو با حسین دهباشی

مبارزه با فراموشی

صفحه ۱۰

شاعر زنده چه‌نیاز به مصحح دارد

علیرضا رئیس‌داناتایی

صفحه آخر

حرف اول

پاسخی به رحیم‌پورازغدی درباره آمریکا

علی‌اصغر کیمیایی



حسن رحیم‌پورازغدی درباره مذاکره با آمریکا گفته است «عده‌ای هم از داخل که شرف ندارند و تا کل ایران را تحویل ندهند دست‌بردار نیستند،

می‌گویند برویم دوباره مذاکره کنیم، اگر کسی شعور سیاسی داشته باشد، نباید از مذاکره حرف بزند». (روزنامه رسالت ۱۳۹۷/۵/۱۴ صفحه دوم)

در نقد اظهارات فوق، نکات زیر ارائه می‌شود: ۱- چرا خداوند متعال آخرین پیام خود را که

در قالب وحی «قرآن» بر حضرت محمد(ص)

فرستاده است، بر حضرت نوح، ابراهیم، موسی یا

عیسی(ع) نفرستاده است؟

۲- چرا پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) در

چندین مورد با مشرکین و کفار قرارداد «پیمان صلح» بسته و اجرا می‌کند؟

۳- چرا حضرت علی(ع) ۲۵ سال سکوت می‌کند؟

۴- چرا امام حسن(ع) با معاویه صلح می‌کند؟

۵- چرا امام رضا(ع) ولایت‌عهدی مأمون

خلیفه عباسی را می‌پذیرد؟

به‌راستی در پاسخ به سؤال‌های فوق آیا

توجیهی به غیر از مسئله «واقع‌بینی» وجود دارد؟

برای رسیدن به اهداف، آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها

چاره‌ای به غیر از واقع‌بینی نداریم.

اینکه شرایط فعلی جامعه ایران چیست و آیا

باید با آمریکا مذاکره کرد یا خیر، مسئله‌ای سیاسی

است که تشخیص آن با کارگزاران و کارشناسان

مسائل سیاسی - خارجی است. در صورتی که

این کارگزاران با عنایت به واقعیت‌های موجود

ایران و جهان به این نتیجه رسیدند که باید با

آمریکا مذاکره کرد، این دیدگاه حاکی از بی‌شرفی

و بی‌شعوری نیست.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸



مالکان نفت کش برای پوشش ریسک خود در زمان تحریم‌ها، افزایش کرایه را مطرح کرده‌اند

گروکشی برای فروش نفت ایران

صفحه ۵



صفحه ۲ و ۴

اولین وزیری که از دولت دوازدهم رفت

دو چهره استیضاح

شتا چگونه به شاه‌کلید استیضاح ربیعی تبدیل شد

یادداشت

مصائب رسانه و اصحاب آن

به‌لحاظ کمی و کیفی، فاصله و ربط و نسبت واقعی در ایران با رسانه‌های دنیا در چه سطحی قرار دارد؟ میزان تیراژ آنان چگونه قلم و رقم می‌خورد؟ تأمین و تضمین امنیت شغلی آنان در نسبت با ما چگونه ارزیابی می‌شود؟ با چه سازوکاری رفاهیت نسبی آنان رتبه‌بندی می‌شود؟ منزلت اجتماعی خبرنگاران در بین آحاد مردم و ارباب قدرت، چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟ آیا آنان نیز به صنف ارجمند خبرنگاران چنین تورم لحام‌گسیخته و هکذا تکوین تبانی پنهان در خود کم‌توجه‌اند؟ آیا آنان نیز وقت و بی‌وقت شاهد جزین تورم لحام‌گسیخته و هکذا تکوین تبانی پنهان در خود کم‌توجه‌اند؟ آیا آنان نیز وقت و بی‌وقت شاهد تدارک کاغذ و اقلام و اجناس مورد نیاز خود هستند؟ امروز درآمدن شبکه‌ها و سرویس‌های اینترنتی مجال چندانی برای فروسختگی و اعمال سانسور در حقایق و وقایع جوامع باقی نتهاده است. جهان متلازم و فزاینده اخبار، به سهولت در چنبره تمنیات و توقعات

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

اقتصاد پسا آمریکا

لزوم چرخش سیاسی ترامپ

ایالات متحده تقریباً به صفر رسیده است. این شاخص بیانگر آسیب‌های دولت ترامپ به تجارت این کشور در نتیجه چالش با «شرکت‌ها» و «دولت‌ها» است. تغییر رویکرد شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایالات متحده در طولانی‌مدت، رشد درآمد آمریکا و در نتیجه تعداد فرصت‌های شغلی در دسترس را کاهش داد. بر اقتصاد کل جهان تأثیرگذار خواهد بود و در نهایت بی‌ثباتی بیشتری را به بار خواهد آورد. ازاین‌رو ادامه سیاست‌های کنونی دولت ترامپ می‌تواند به ظهور «اقتصاد جهانی پسا آمریکا» دامن بزند. امروزه رخداد‌های مختلف به این سمت در حرکت‌اند و نشانه‌ها از گذار جهان از اقتصاد و بازار آمریکا در آینده نزدیک حکایت می‌کند. این در حالی است که جنگ تجاری آمریکا نیز در حال شعله‌ورشدن است. این جنگ تجاری موجب ازدست‌رفتن مشاغل بخش صنایع صادراتی شده و قدرت خرید آمریکایی‌ها را کاهش خواهد داد. شاخص‌های اقتصادی استاندارد نظیر ارزش دلار، بازار بورس آمریکا و نرخ بهره بدهی‌های دولت آمریکا که همگی در حال حاضر نسبتاً ثابت هستند، نشانه‌های کوچکی از حرکت اقتصاد جهانی به سوی عصر و دوره پسا آمریکا را نشان می‌دهند.



سیمین حاجی‌پورساردویی پژوهشگر ارشد جامعه‌شناسی سیاسی ایران

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا یک نظم اقتصادی جهانی و مبتنی بر قانون را بنیان گذاشت. در مرکز آن نظم جهانی، ارزش‌های لیبرالی، تجارت آزاد و قانون‌مداری وجود داشت. در هفت دهه بعد، این نظم که با قدرت آمریکا پشتیبانی می‌شد و مشروعیت آن در میان سایر کشورها روزه‌روز افزایش می‌یافت، از بسیاری از اختلافات اقتصادی و تبدیل آنها به جنگ‌های تجاری مخرب و حتی درگیری‌های نظامی جلوگیری کرد. اما امروزه آن نظم در خطر است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با این ایده که «اقتصادهای جهانی اگر قانونمند باشند، همگی سود می‌برند»، مخالف است. در مقابل، او تصمیم گرفته از «قراردادهای به ظن او بد» خارج شود. این تمایل ترامپ به بی‌نظمی و عدم پای‌بندی به تعهدات، از میزان جذابیت‌های ایالات متحده برای کسب و کار کاسته است؛ به‌گونه‌ای که در سال جاری خالص سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی- اعم از خارجی و آمریکایی- در

ادامه در صفحه ۱۵

مقصود فراستخواه در گفت‌وگو با «شرق»:

نشانه‌های اجتماعی را جدی نمی‌گیرند

گروه جامعه: روز گذشته اولین تحلیل جامعه‌شناختی درباره اعتراضات اخیر در ایران و تأثیرات آن بر جامعه و جوانان در گفت‌وگو با سعید مدنی در صفحه جامعه روزنامه «شرق» منتشر شد. دومین جامعه‌شناسی که به سؤالات روزنامه «شرق» در این باره...

صفحه ۱۳

سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۶ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

پایداری و روزنامه‌نگاری

احمد مسجدجامعی



در بازخوانی نوشته‌ها و مطبوعات بازمانده از دوره مشروطه، بیش از هر چیز به پراکندگی آن دربارۀ اینکه مشروطه، عدالت‌خانه، قانون و آزادی چیست، برمی‌خوریم. فضای ذهنی اهل فکر و کتابت که در این نوشته‌ها بازتاب یافته، بی‌شابهت به فضای داستان مولوی نیست که گروهی در خانه‌ای تاریک به دیدار قبل رفته بودند. در اینجا یادآوری خاطره مرحوم ضیاءالدین دری‌اصفهانی، مدرس فلسفه بی‌مناسبت نیست که می‌گوید گروهی از بست‌نشینان در سفارت انگلیس با لفظ مشروطه چندان بیگانه بودند که فریاد می‌زدند: «مشربه می‌خواهیم». در سوی دیگر، مخالفان، مشروطه‌خواهان را بابی و مزدکی می‌خواندند؛ چنانکه محمدعلی شاه در نامه‌اش به بزرگان نجف آنها را مزدکی خوانده بود. این ناآشنایی با مفهوم مشروطه منحصر به عوام نبود. وقتی به آرای منورالفکران و روحانیون آن زمان رجوع می‌کنیم، همین پراکندگی را در آرا و اقوال آنها نیز می‌بینیم. اگر کمی بیشتر دقت کنیم، متوجه می‌شویم عامه مردم نه‌تنها با مفهوم مشروطیت آشنا نبوده‌اند که آن را تنها در مقابله با استبداد می‌سنجیدند و شناخت استبداد هم بیشتر درکی پرخاسته از تجربه وضع موجود و مصداقی بود و حتی از مشروطیت در حد عدالت‌خانه توقع داشتند و از مجلس مشروطیت به نام عدالت‌خانه یاد می‌کردند. بعدها نام مشروطیت به‌جای آن نشست و حتی در معنای آن تعابیر عرفانی از دیوان حافظ آوردند و از «باد شرطه» مدد خواستند: «ای باد شرطه برخیز».

مردم پریشانی‌ها، رنج‌ها و نابسامانی‌ها را می‌دیدند و می‌فهمیده‌اند چیزی در این میان خراب است و آن خراب میهم را استبداد گفتند؛ اما در همین نامیدن هم متکی به تجربه شخصی و جمعی خود بوده‌اند و همین اتکا به تجربه ناقص کار را به جایی رساند که گروهی از همان مردم که از استبداد محمدعلی شاه به تنگ آمده بودند، بدون نگرانی و تردید به دامان استبداد رضاشاه افتادند و در این میان شعر نیم‌تاج سلماسی با نام کاوه شعار روزگار شده بود که:

ایرانیان که فزّ کِیان آرزو کنند

باید نخست کاوه خود جست‌و‌جو کنند

مردی بزرگ باید و عزمی بزرگ‌تر

تا حل مشکلات به نیروی او کنند

که این نیز الهام گرفته از شعر حافظ است:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

در این پریشانی نگاه و ناآشنایی با مفهوم مشروطیت و اجماع بر سر امری مبهم و ناشناخته، یکی از درخشان‌ترین مثنی‌ها که تصویری دقیق و دردمندانه از وضع داده است، نامه آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی به مظفرالدین شاه است. نامه با عبارت‌هایی کوتاه و گویا و همراه با ادب و احترام به این شکل آغاز می‌شود: «اعلیحضرت! مملکت خراب، رعیت پریشان و گدا، دست تعدی حکام و مأمورین بر مال و عرض و جان رعیت دراز، ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد. از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند، می‌برند. قوه غضب و شهوتشان به هر چه میل کند و حکم کند، از زدن و کشتن و ناقص‌کردن اطاعت می‌کنند. این عمارت و میل‌ها و وجوهات و املاک در اندک زمان از کجا تحصیل شده؟ تمام رعیت بیچاره است. این ثروت همان فقرای بی‌مکت است که اعلیحضرت بر حالشان مطلعید. در اندک زمان از مال رعیت صاحب مکت و ثروت شدند. پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند، گرفتند به ترکمن‌ها و ارمنه عشق‌آباد به قیمت گزراف فروختند. ده هزار رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کردند. هزارها رعیت ایران از ظلم و حکام و مأمورین به ممالک خارجه هجرت کرده، به حمای و فعلگی گذران می‌کنند و در ذلت و خواری می‌میرند. بیان حال این مردم را از ظلم ظلمه به این مختصر عرضیه ممکن نیست.

راحل او برای مشکلات این است که: «تمام این مفاسد را مجالس عدالت یعنی انجمن مرکب از تمام اصناف مردم که در آن انجمن به داد عامه مردم برسند، شاه و گدا در آن مساوی باشند. فواید این مجلس را اعلیحضرت همایونی بهتر از همه می‌دانند. مجلس اگر باشد، این ظلم‌ها رفع خواهد شد». و به‌وضوح می‌داند که استبداد است که مخل کارها است؛ چنان که می‌گوید: «اعلیحضرت! سی کرور نفوس را که اولاد پادشاه‌اند، اسیر استبداد یک نفر نفرمایید! برای خاطر یک نفر مستبد چشم از سی کرور فرزندان خود نبوشید».

ادامه در صفحه ۴